

آیا کرزی با چشمان بسته حکومت نکرد؟؟؟

استاد صباح



« به قول شاعر و نویسنده ، به من توصیه می کنند می گویند : از خوشی و خنده بنویس...»

زیرا نوشته هایت درد دارند ! و من به یاد مردی می افتم ،

که با گیتارش ، در ایستگاه بس خیلی مست و شاد می نواخت...»

اما با چشمانی اشک آلوده وتر !! ... »

اختلاس میلیونی که کرزی با وجدان خفته از آن عبور کرد.



روزنامه «نیویارک تایمز» به تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴ در گزارشی از فساد گسترده در بنادر افغانستان پرده برداشت .

سالانه ۵۰۰ میلیون دالر در گمرکات افغانستان به تاراج می رود و از نتایج «بازرس ویژه امریکا برای بازسازی

افغانستان (سیگار)» نقل می شود که «افغانستان نیمی از عواید گمرکی اش را در اثر فساد از دست می دهد» و دولت

افغانستان نیز از این غارت سرمایه ملی به خوبی آگاه است و اسناد کافی هم در اختیار دارد؛ ولی آن را از دید ملت مخفی

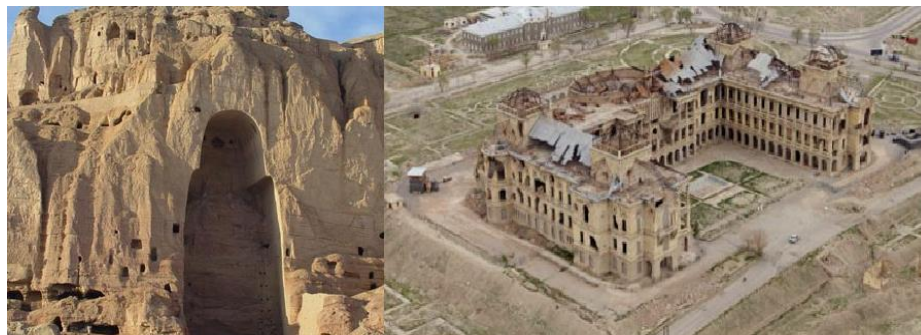
ساخته است . گمرک عمده شمال در کنترل عطا محمد نور، والی بلخ و گمرک سپین بولدک در اختیار جنرال عبدالرزاق؛

قوماندان پولیس قندهار است. نزدیک به ۱۷ میلیون دالر معادل ۹۰۰ میلیون افغانی فساد مالی در این دو گمرک است که هیات

اعزامی دولت به آن دست یافته و میلیونها دیگر آن هنوز مخفی مانده است. گفته شده که مسئول اصلی غارت دارایی های

عامه در گمرک‌های افغانستان شخص زاخلوال است. عظامحمد نوروالي و جنرال رزاق مقامات برحال دولت اند. این درحالی است که اشرف غنی به عنوان رییس جمهوری بارها تاکید کرده که با مفسدان و اختلاس‌گران برخورد جدی می‌کند و درکابینه او برای چنین اشخاصی جایی نخواهد بود، اکنون اسناد اختلاس گسترده مشاور ویژه او در امور اقتصادی تیتیرسانه هاست . « بیشترین بهره از منابع خبری و تبصره پیرامون آن بخاطر استناد به حقیقت نویسی و حوادث نگاری ».

دربازسازی چه گذشت؟



گزارشها از سوء استفاده چندین میلیارد دالری از بودجه بازسازی افغانستان از سوی محافل و مقامات امریکایی حکایت دارند. نتایج یک بررسی جدید در اردوی آمریکا نشان می‌دهد که میزان سوء استفاده از بودجه بازسازی و حیف و میل آن به چندین میلیارد دالر رسیده است. آرنولد فیلدز بازرس ویژه بازسازی افغانستان با تایید این مطلب گفت ، میزان سوء استفاده از بودجه بازسازی افغانستان همچنان در حال افزایش است . وی با انتقاد از سیاستهای آمریکا در امر بازسازی افزود ، هیچ واحد کنترولی مناسبی برای بررسی اینکه پول مالیات دهندگان امریکایی در کجا هزینه می‌شود وجود ندارد. مقامات امریکایی ادعا می‌کنند که از سال دوهزار و دو تا کنون پنجاه و شش میلیارد دالر برای بازسازی افغانستان هزینه شده، اما به گواه واقعیت‌های این کشور، نتیجه‌ای نداشته است . از این مبلغ بیست و نومیلیارد دالر صرف بازسازی نیروهای امنیتی و شانزده میلیارد دالر صرف توسعه این کشور شده است. این درحالی است که با گذشت حدود یک دهه نه تنها وضعیت نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان بهبود نیافته بلکه مردم و بخصوص زنان و کودکان با مشکلات عدیده روبرو هستند . به گونه‌ای که به گزارش صندوق کودکان سازمان ملل ، یونیسف بیش از یک چهارم کودکان هفت تا چهارده ساله همچون یک فرد بزرگسال کار می‌کنند، به طوریکه وضعیت کودکان کار به عنوان یکی از معضلات اصلی دولت این کشور به حساب می‌آید. براساس گزارش وزارت صحت عامه کشور نیز، از سی میلیون افغان دوازده میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند که از این دوازده میلیون فقیر، سه میلیون نفر کودک زیر پنج سال هستند که از سوء تغذیه رنج می‌برند. البته بازرس ویژه بازسازی افغانستان به بقیه هزینه‌های بازسازی که آمریکا ادعا می‌کند از سال دوهزار و دو در این کشور هزینه کرده، اشاره نکرده است . از اینرو گزارش تفتیش ویژه بازسازی از فسادهای گسترده نهادهای غربی فعال بخصوص امریکایی در افغانستان حکایت دارد .

عزیزی بانک



سرمایه هائیکه از پول قاچاق هروئین، تریاک، چرس، یاقوت جیگدلیک و زمرد پنجشیر بدست می آید به خارج انتقال داده میشود. بدنامی این قاچاق ها به گردن کسانی است که هیچ وقت از آن سود نبرده اند و طوق لعنت ملت بیچاره افغانستان که نان خوردن را ندارند گردیده و مردم عوام جهان که نمی دانند نیم کاسه ها زیر کاسه بزرگ جنایت قرار دارد به گردن مردم کشور ماست. امروز ملت را در جهان به نام جنایتکار، قاچاقبر مواد مخدر و انسان کش یاد می کند. همچنان، این جانیان استعمارگر، قاچاق مواد مخدر، سنگ های قیمتی و آثار عتیقه بخاطر منافع خود در افغانستان و منطقه و جهان سبب بدنامی و سر افکندگی ملت ما در جهان شده اند. و این قاچاقبران تاریخ زده پول های سیاه را بخاطر منافع خود توسط بانک های خود ساز سفید می سازند.

سرمایه عزیزی بانک که صاحب اصلی آن در دوبی و هالند زندگی می کند یک قاچاقبر است که فعلاً بنام جعلی در دوبی و هالند زندگی می کند. روی کش کار این سرمایه گذاری ها فعلاً علی اکبر معاون عزیزی بانک و دوبرادری که یکی آن در هالند و گاهی در دوبی با زن ایرانی خود زندگی می کند. برادر دیگرش بعد از اخراج از هالند بنام جنایت کار جنگی فعلاً در اوکراین زندگی می کند. در عقب این بازی اشخاصی وجود دارد که در هالند و اوکراین زندگی می کنند و با استفاده از پاسپورت هالندی و افغانی رفت و آمد به هالند دوبی و افغانستان می نمایند.

همین شخصی که در هالند و دوبی با زن ایرانی خود زندگی می کند قبلاً در هند بنام اصلی افغانی خود زندگی می کرد بعد از جنایتی که در هند از او سر زد و زندانی گردید توسط دیگر قاچاقبران از زندان هند به ضمانت پولی از محکمه آنجا بشکل موقت از طرف محکمه هند رها و این جنایتکار از هند با پاسپورت جعلی فرار نمود و در هالند بنام دیگر نام جعلی پناهندگی گرفت، زن هالندی دارد. بر اساس ازدواج با زن هالندی سیتیزن هالند شده است. زن هالندش فوت کرد و اکنون بازن ایرانی خود در هالند و دبی نه بنام اصلی خود بلکه بنام جعلی زندگی می کند.

حاجی علی اکبر معاون عزیزی بانک که امروز از مهره های خطرناک این بانک به حساب می رود در نزد گروه اصلی قاچاقبران که سرمایه اصلی عزیزی بانک روزی بصفت مزدور در خدمت باند قاچاق در هالند قرار داشت.

علی اکبر به اساس شناخت قبلی با قاچاقبران مواد مخدر، مورد اعتماد همین شخص که از هند فرار کرد و در هالند پناهندگی دارد و امروز سیتیزن هالند است مورد قرار گرفت. علی اکبر و دوبرادری که یکی در اوکراین و دیگری در هالند و دوبی زندگی می کنند، از پول قاچاق، اول در کابل بانک و بعد در عزیزی بانک سرمایه گذاری کردند. این سه نفر فوق در کشیدن پول و قاچاق توسط عزیزی بانک نقش برانده دارند.



کرزی و فراهی

یک روزنامه آمریکایی فاش کرد که مبلغی حدود پنج میلیون دلار که توسط سازمان سیا به صورت مخفی در اختیار دولت قرار گرفته بود، در نهایت در سال ۲۰۱۰ میلادی به عنوان باج به القاعده پرداخت شده است. سازمان سیا در سال دوهزارده میلادی حدود پنج میلیون دلار را به طور مخفیانه در اختیار دولت قرار داده و کابل نیز این پول را برای آزادی عبدالخالق فراهی، به القاعده پرداخت کرده است. عبدالخالق فرهی قنصل در پیشاور در سال دوهزارهشت میلادی ربوده شد و به القاعده تحویل گردید. وی دو سال بعد پس از آنکه کرزی پنج میلیون دلار به القاعده پرداخت کرد، آزاد شد.



انورالحق احدی

در اواخر ماه جدی ۱۳۹۱ دوازده تن از کارمندان وزارت تجارت و صنایع به شمول یکی از معینان این وزارت، نامه سرگشاده ی عنوانی حامد کرزی انتشار دادند که در آن از «استبداد و خود کامگی لجام گسیخته» در این وزارت سخن گفته شده است. این نامه که اسناد فراوان را نیز ضمیمه داشت، از موارد وحشتناک فساد و دزدی و دغلیکاری در این وزارت پرده برداشته شده است. درین نامه احدی متهم شده که در تمامی چپاولگری ها دست داشته است. درین نامه یاد شده از فساد مالی در قرارداد های مواد نفتی با قزاقستان، ایران و روسیه اسنادی ارائه شده و گفته می شود که ارقام قرارداد ها بعد از تحریف و تغییر به شورای وزیران ارسال شده و در این جریان میلیونها دالر به جیب وزیر و افراد مورد اعتمادی که در اطرافش جابجا نموده ریخته است. این کارمندان مدعی اند که در اثر ساخت و پاخت وزیر و رئیس تصدی مواد نفتی (فرید شیرزی) با «کمپنی مشهور با الفساد بنام سروری گروپ»، گاز مایع بسیار بالاتر از قیمت بازار جهان خریداری شده و هفت میلیون دالر از بودجه دولت به این شرکت انتقال یافته اما فقط بخش کوچکی از این مواد انتقال داده شده و بس.

در کشور هایی که حداقل اصول دموکراتیک حاکمیت داشته باشد، وقتی اینچنین اتهامات شدید بر یک مقام دولتی زده شد، قبل از همه وزیر خود استعفايش را پيش مي‌کند تا زمينه بررسي ببيطرفانه قضيه ميسر گردد. اما وزيران فاسد افغانستان که هرکدام خود را در کرسی چسبانده اند، با بيشرمي تمام به کار شان ادامه مي‌دهند .

فاجعه اينجاست که در افغانستان ، عناصر فاسد، قومباز و بيکاره حتی خود را به رياست جمهوري کانديد مي‌کنند . چند سال قبل هم نامه ي ازجانب زرنگ ن. گ که خود را کارمند وزارت تجارت ناميده درسايتهاي اينترنتي انتشار يافت، که در آن گفته شده احدى به تمامی نزديکان خود دروزارت دستور داده است تا تلاش نمايند از ناکامي هاي اين وزارت خبري به بيرون درز نکند. اين درحالي بود که بيکارگي وزارت درحل مشکلات ترانزيتي با ايران وپاکستان به سرخط اخبار مبدل شده بود .

ضمنا در گزارش سال ۱۳۸۴ رياست مستقل مبارزه با فساد و ارتشاي اداري سندی وجود دارد که از حيف و ميل ۱۴۴ هزار دالر امريکايي توسط احدى ذکر رفته، چيزي که تا امروز نهاد هاي عدلي افغانستان در برابر آن چشم بستند . من متن کامل نامه سرگشاده کارمندان وزارت تجارت و صنايع را ذيلا نقل مي‌کنم و آروز مي‌کنم که آنان تا آخر براي محاکمه احدى و ديگر حکام فاسد اين وزارت تلاش نمايند و اجازه ندهند که پول ملت توسط يک مشت غارتگر ضدملي به جيب زده شود.

در وزارت تجارت و صنايع استبداد و خود کامگي لجام گسيخته بيداد مينمايد. آيا کسي ميدانند که قرارداد هاي عقد شده خريداري مواد نفتي ازکشور قزاقستان، کشور روسيه و کشور ايران ميان وزارت تجارت و صنايع و کشورهاي فوق الذکر عملا صورت پذيرفته دربرگيرنده کدام فساد عظيم غيرقابل تصور بوده، و درآن عمليه چه جفا و نارواي به حق ملت مظلوم و مردم بلاکشيدده پر درد و رنج خفته است .

قرارداد مقدار سه صد هزارتن مواد نفتي با جمهوري اسلامي ايران و تعداد (۱۴۰) هزار تن تيل با کشور قزاقستان که في تن منفي (۶۰) از نرخ روز بين المللي و مقدار پنج هزار تن تيل با کشور روسيه که منفي (۶) في تن بوده که بين وزارت تجارت و صنايع و کشور هاي متذکره عملا صورت گرفته ولي به عوض اينکه يک کميت قابل ملاحظه را جهت تامين رقابت با بازار و حفظ ثبات قيم و غرض حمايت از مستهلکين و ذخاير تصدي مواد نفتي تذخير ميگرديد، برعکس از مجموع کميت هاي مواد نفتي منعده را بدون اينکه پيش شرط و يا ميکانيزم مشخص که تاجران توريد کننده مواد نفتي در امر نحوه فروش، عرضه و قيمت تمام شد با اندکي مفاد شان تعهد کتبي حاصل شده باشد، زمينه فروش با دست باز آن هم به شکل بي رحمانه وسخت ظالمان توسط همين شرکت ها به بازار وارد گرديده و هم اکنون نيز ادامه دارد که در آن تفاوت قابل ملاحظه که دراصل قيمت نرخ روز جهاني منفي قرارداد گرديد تمام آن به جيب شخص وزير تجارت افتاده. قابل تذکر است که: مقدار سه صد هزار تن تيل که از جانب شخص وزير صاحب با جانب ايران عقد گرديد است، از دو جهت قابل دقت و تامل است .

گزارش را که وزارت تجارت درمورد قيمت خريد تيل متذکره به مجلس شوراي محترم وزيران ارايه و تصويب آنرا کسب نموده، درحقيقت امر قيمت ارايه شده به شوراي محترم وزيران با اصل حقيقت کمپني قيمت ارايه نموده است، به مراتب بالاتر و غيرقابل مقايسه بوده در زمينه واضحا ازجانب وزارت تجارت شوراي محترم وزيران اغوا گرديده و در تفاوت قيمت ارايه شده، با اصل قيمت مشهود است .

تیل متذکره که به قیمت نازل از نرخ روز کشور ایران خریداری گردیده علت اساسی آن نازل بودن کیفیت مواد نفتی تا حدی گفته میشود. تیل که بعد از بکار گرفتن در دستگاه انرژی اتمی که کاملاً فاسد دارای تشعشعات نیز بوده است. که بکارگیری آن نه تنها در سرعت بخشیدن استهلاک وسایط بلکه مستقیماً بالای محیط زیست اثر منفی گذاشته بر حیات صحتی مردم ما اثر مدّش دارد. سوال اساسی اینست که دولت و یا وزارت تجارت و صنایع چه مکلفیت دارد مواد نفتی مورد ضرورت کشور را خود عقد قرارداد نماید. وزمینه انتقال و فروشات آن مطلقاً بدسترس سکتور خصوصی عرصه توريد کننده گان مواد نفتی بگذارد. این در حالیست که مجموع صد در صد مواد نفتی تاجران به بازار عرضه میدارند و دولت سه سال گذشته نیم فیصد سهم خویش را در عرصه توريد و توزیع مواد نفتی را به عهده نگرفته چه انگیزه باعث گردید که وزارت تجارت و صنایع قرارداد های مواد نفتی را با کشور های متذکره به امضاء رسانیده و خود مسئولیت توريد، انتقال و فروش آنرا به عهده نمیگیرد.

بطور مخفی و سری و دور از انظار نظام عامه طبق میل و اراده اش به کمپنی های طرف معامله خویش سهم بندی نموده، مواد نفتی قرارداد شده را واگذار مینماید. و تاجران هم بدون کوچک ترین احساس مسئولیت و یا حداقل تعهد طبق میل آزمندان تیل متذکره را قیمت گذاری نموده با تمام بی رحمی در بازار عرضه میدارند. معلوم است که زیر همین کاسه نیم کاسه ای است. که حجم فساد برخاسته شده از این معامله به حساب آمار و ارقام به مراتب بالاتر از حد تصور است. به گونه ای مشت نمونه خروار اسناد ضم است. با استفاده از این نمونه میتوانید اسناد سایر قرارداد ها را دریابید .

[بقيه کزیده های مقالات استاد صباح گلکلیک نماید](#)